

مبانی معرفتی

حکومت اسلامی

عباس شمس‌ی

۱. حاکمیت خداوند بر تمام عالم
خداوند خالق همه ممکنات است
و ممکنات عالم از جلوه‌های رحمت
نامتناهی اویند، در خلقت و سرشت و
جبلت عالم تنها دست ولایت و اراده
حاکم مطلق؛ یعنی خداوند است که
همه موجودات را در حد ظرفیتهای
مختلف فعلیت می‌بخشد، آفریدگار
مطلق با قدرت و حکمت و اراده و
مشیت خود نظام هستی را از عالم علم
به عالم عین تجلی داد و تحقق
بخشید.^۱ این مسئله به اندازه‌ای مسلم

هر از چند گاهی برخی افراد به
ظاهر روشنفکر با بهانه‌های مختلف
نسبت به دین و احکام اسلامی، یا
انقلاب اسلامی ایران که نشأت گرفته
از هویت اصیل دینی است شبهاتی را
مطرح می‌کنند. چندی قبل در برخی
نشریات مسئله حکومت و احکام
اسلامی را به بهانه شروع انتخابات
مجلس خبرگان زیر سؤال بردند.

در این گفتار جهت روشن شدن
حقایق و پاسخ به برخی پرسشها،
بر آنیم تا شمه‌ای از مبانی معرفتی
حکومت اسلامی را به اختصار تقدیم

خوانندگان عزیز کنیم:

۱. ولایت تکوینی.

به لحاظ حرکتی قطع نخواهد شد و فقیر محض همیشه و در همه حال به غنی محض محتاج خواهد بود.

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۳ «همه از خدایسیم و همه به سوی او باز می‌گردیم».

۳. هماهنگی بین تکوین و تشریح

اگر ولایت و حاکمیت تکوین از آن خداوند است ﴿قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ﴾^۴ و ﴿هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۵ ربوبیت و پروراندن و قانونگذاری هم از آن خداوند است و هیچ کس جز او حق قانونگذاری را ندارد. چه که او عالم بر همه شئونات و زوایای وجود آدمی است و رابطه بین خالقیت و ربوبیت و تشریح غیر قابل انکار است. لازمه کمال واقعی هماهنگی بین تکوین و تشریح است.

۴. نظام تشریح

نظام تشریح همان دین و شریعت

و بدیهی است که حتی افراد منکر هم وقتی از آنها درباره خلقت عالم هستی سؤال می‌شود، خواهند گفت خداوند عالم را آفریده است. قرآن در سوره عنکبوت از قول آنان این گونه نقل می‌کند:

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ...﴾^۱

«هرگاه از آنان پرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می‌گویند: خداوند...».

۲. فقر ذاتی موجودات

موجودات عالم ذاتاً فقیر بوده و خروج از دایره فقر ذاتی برای آنان محال و غیر ممکن است، و خداوند غنی مطلق است؛ همان گونه که حاکم مطلق است. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۲ «ای مردم! شما همگی نیازمند به خدایید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و ستایش شده است.»

همه موجودات در مسیر تکامل نوعی خود به سوی کمال مطلق در حرکتند و هیچ گاه رابطه آنها با خداوند

۱. عنکبوت / ۶۱ و لقمان / ۲۵.

۲. فاطر / ۱۵.

۳. بقره / ۱۵۶.

۴. شوری / ۹۱.

۵. شوری / ۲۸.

خداوند است و باید از طرف خدا باشد؛ چرا که اگر دین و قانون از طرف غیر خداوند باشد اختلاف و تشتت، اصل صورت مسئله را پاک خواهد کرد و نقض غرض لازم می‌آید. «وَلَوْ كَانْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ إِخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱ «اگر قرآن از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.»

۵. پیوند دنیا و آخرت

عالم خلاصه در دنیا و طبیعت نیست و تمام رشته‌ها و سلولهای نظام هستی پیوند وثیقی با عالم آخرت انسان دارد. و حیات موقت دنیا در حیات جاوید آخرت اثر گذار است.

قرآن کریم ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی دنیا و آخرت را در چند عرصه بیان می‌کند:

- الف. حقیقت انسان در آخرت؛^۲
- ب. تجسم اعمال انسان؛^۳
- ج. عینیت پاداش و جزا و کیفر اخروی انسانها با اعمال دنیای آنها.^۴

تشریح و قانونی کمال انسان را تضمین می‌کند که از این دو بعد انفکاک‌ناپذیر دنیا و آخرت اطلاع داشته باشد، تا در این سه حوزه فوق

انسان را به خوبی رهبری کند.
ع. ضرورت وجود مجری

قانون الهی بودن مجری توان تأثیر در روابط خارجی را ندارد و لزوماً نیازمند یک مجری است که با غیب به صورت ویژه ارتباط داشته باشد و مسئول تعلیم و حفظ و اعمال آن گردد. او باید از هر گونه خطا و اشتباه مصون باشد. اینجاست که ولایت حاکم مطلق و ولی حقیقی به ولی مأذون او تفویض شده و انسان مرتبط با خداوند نشانه و آیت و آیینه تمام‌نمای جلوه‌های رحمت و هدایت او خواهد شد.

ضرورت وجود پیامبر و امامت امت و مردم از اینجا به وجود می‌آید، که البته ضرورت و فوائد نبوت و قانون الهی به همین مسئله ختم نمی‌شود. در این زمینه بهتر است که مقدمات ضروری بودن نبوت را از زبان علامه طباطبایی رحمته‌الله از نظر بگذرانیم. ایشان در

۱. نساء/ ۸۲.

۲. طه/ ۱۲۴-۱۲۶.

۳. توبه/ ۳۵ و قلم/ ۴۲-۴۳.

۴. زلزله/ ۷ و ۸ و فجر/ ۲۳.

دیگری برای حل اختلاف وجود ندارد.
نتیجه:

پس بعثت انبیاء و دین آسمانی
برای جسامه بشری ضروری
می‌نماید.^۱

نکته مهم این که ولایت وارده در
سوره مبارکه مائده و احزاب برای
اولیاء الهی ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾
﴿وَالنَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...﴾^۳
ولایت چند گانه بر مردم نیست که
برترین نوع آن، ولایت خداوند باشد.
ولایت برای پیامبر ﷺ و اهل بیت
گرامی ایشان ﷺ ولایت حقیقیه و در
عرض ولایت الله نیست، ولایت و
سرپرستی از آن کسی است که مالک
حقیقی و خالق حقیقی است. ولایت
اولیاء الهی (انبیاء و ائمه و ارضیاء
ایشان) ولایت بالعرض است نه بالتبع؛
یعنی ولایت خداوند واسطه در
عروض ولایت برای آنان است نه
واسطه در ثبوت.

تفسیر شریف المیزان در ضرورت
نبوت و رابط غیبی، مقدماتی را بیان
می‌دارند:

* مقدمه اول: دستگاه آفرینش
چنان است که هر نوع باید به کمال
حقیقی خود برسد.

* مقدمه دوم: انسان موجودی
مدنی است (اجتماعی)

* مقدمه سوم: انسان موجودی
است دارای حب ذات و استخدام گری،
که دامنه این استخدامگری هموعانش
رانیز شامل می‌شود.

* مقدمه چهارم: به دلیل
استخدامگر بودن او اختلاف در جامعه
گریزناپذیر است.

* مقدمه پنجم: اختلاف و گریز یا
ستیز با استکمال بشر منافات دارد.

* مقدمه ششم: رفع اختلاف به
دلیل اتقان صنع الهی ضروری است.

* مقدمه هفتم: رفع اختلاف به
صورت کامل توسط انسان ممکن
نیست.

* مقدمه هشتم: دین و شریعت
رافع اختلاف است.

* مقدمه نهم: غیر از دین راه حل

۱. المیزان، ج ۲، صص ۱۱۱ - ۱۳۰؛ نبوت در
المیزان، ربیعی، انتشارات نور فاطمه ﷺ.

۲. مانده / ۵۵.

۳. احزاب / ۶.

مثال: اگر آبی کنار آتش باشد واقعاً گرم می‌شود و این نزدیکی به آتش واسطه گرم شدن به اتصاف واقعی است. (واسطه در ثبوت) ولی اگر همین آتش را در برابر آینه نگه دارند، در آینه شعله بلند است؛ اما چیزی درون آینه نیست. آینه، فقط آتش و شعله بیرونی را می‌نمایاند. (واسطه در عروض) چرا که اگر چند حقیقت در عرض هم باشند حقیقت واحد (خداوند) محدود خواهد شد. و این واضح البطلان است، زیرا خداوند بسیط الحقیقه است.^۱

۷. مأذون از طرف خدا

هر کس بخواهد والی بر مردم باشد باید مأذون از طرف حق باشد؛ یا مستقیم، یا به طور غیر مستقیم.

۸. ولایت انبیاء و اولیاء

ولایت انبیاء و اولیاء به طور مستقیم از طرف خداوند صورت می‌گیرد و ولایت غیر معصوم (علما و فقها) به صورت غیر مستقیم، مأذون و مرضی رضای خدای متعال است.

۹. محدوده ولایت

ولایت این بزرگواران (انبیاء و اولیاء

و فقها) از قبیل ولایت بر سفیه، مجنون و محجورین نیست، (که جنبه رأی شخصی دارد و برابر اندیشه ولی تدبیر می‌شود) ولایت پیامبر و امام از جانب الله است؛ یعنی خود دین و قانون تشریح هماهنگ با تکوین خداست که جامعه و انسان را رهبری و هدایت می‌کند، لذا علاوه بر اینکه مردم تحت ولایت دین خدا و ولایت تشریحی او هستند، پیامبر، امام و فقیه هم تحت ولایت دین حق است و شخصیت حقیقی او تحت عنوان شخصیت حقوقی او قرار می‌گیرد و خارج از محدوده آن نمی‌تواند باشد.

پس اولیاء آیت و نشانه ولایت اویند، مثل آینه هائی که ولایت الله را به جامعه پڑواک می‌دهند.

پس قانون شرع الهی همان چشمه دین است که از جان ولی خدا به امر خداوند حیات طیبه جامعه را تضمین می‌کند و در پرتو این حیات طیّب، حیات ابدی آنان را رقم می‌زند.

۱۰. اهداف اخروی

اهداف اخروی در متون دینی

۱. ولایت فقیه، حکیم متّله، آیه الله جوادی آملی، باکمی تصرف.

غایات بالذات تعالیم الهی هستند. این غایات در حیات دنیوی بشری محقق می‌شود. لذا دنیا هدف بالذات نیست، گرچه آخرت بدون دنیا میسور نخواهد بود. به استناد این روایت که امیر مؤمنان فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»^۱ دنیا کشتزار آخرت است.»

۱۱. عبودیت انسان

* اگر انسان بنده و مخلوق خداوند است؛ اگر انسان همه شئونات زندگی در دنیا و آخرت با اطاعت از خداوند عالم و حاکم مطلق محقق می‌شود، تنها دریچه رسیدن انسان به مقام کمال و انسانیت، عبودیت است. در قرآن کریم مهم‌ترین وصف از اوصاف آدمی را عبودیت او می‌داند و کمال واقعی این موجود را خلاصه در عبد بودنش می‌کند. و حتی پیامبر و امام هم از مقام عبودیت به رسالت و امامت نائل می‌شوند.^۲

* عبودیت انسان برای ذات مقدس ربوبی، او را از همه قیود و غیر خداوند آزاد می‌کند و آزادی انسان تنها در صورتی معنا دارد که بنده خداوند باشد و بس. و فطرت توحیدی انسان

دو اصل را ثابت می‌کند.

اول: بندگی خداوند؛

دوم: رستن از هر چه غیر خداست.

غلام همت آتم که زیر چرخ کبود
زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
و عبودیت انسان در پرتو دین
خداوند است که چشمه آن دین از جان
مظهر ولی کامل و مثل اعلی و مظهر اتم
خداوند (ولی خدا) جاری می‌شود.

۱۲. ولایت در عصر غیبت

در عصر غیبت معصوم علیه السلام، ولایت خداوند به صورت غیر مستقیم از ناحیه ولی فقیه که همان ولایت دین است اعمال می‌شود و علماء بالله با نصب عام مأذون از جانب خدا و معصوم علیه السلام هستند.

به دلیل ضرورت نظم و قانون خداوند در جامعه که حیث عقلی دین و شریعت و امامت و رهبری است، ولایت عام علماء عقلاً ثابت است و ولایت ولی خاص (ولی فقیه) با نظارت اهل فن و خیره فعلیت پیدا

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۵.

۲. ذاریات / ۵۶.

کرده تا دین خداوند معطل باقی نماند. چرا که نقض غرض لازم خواهد آمد. چون دین وسیله هدایت است و در صورت نبودن هادی (مستقیم یا غیر مستقیم) دین خداوند در تمام عروق جامعه ساری و جاری نخواهد شد.^۱

● ولایت فقیه و قانون اساسی

در اصل صد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از روایات معصومین علیهم السلام است، ویژگیهای رهبری بیان شده است:

۱. صلاحیت علمی لازم برای رهبری امت اسلامی؛

۲. عدالت و تقوای لازم رهبری امت اسلامی؛

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی.

* در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که از همه در این امور قوی تر باشد مقدم است (جهت ولایت بر امور مسلمین)

پس حکومت اسلامی بر دو رکن اساسی استوار است:

اول. اسلامیت نظام؛

دوم. جمهوریت نظام.

آنچه ضامن اسلامیت نظام می باشد به قرار ذیل است:

الف. مجلس خبرگان

مجلس خبرگان رهبری^۲، جهت تعیین رهبری، نظارت بر عملکرد رهبری (که حدوداً و بقاء شرایط را دارا باشد). اعضای مجلس خبرگان هشت ساله توسط مردم انتخاب می شوند و خود اعضاء شرایط ویژه دارند، از جمله: اجتهاد آنان، قوه تشخیص در مسائل سیاسی و مملکتی و...

ب. رهبری نظام^۳

بعد از انتخاب مردم و شکل گیری خبرگان و انتخاب فرد اصلح به عنوان ولی امر، تبعیت و اطاعت فرمان او بر همگان لازم است؛ حتی فقهای مجلس خبرگان و سایر مراجع در امور

۱. یعنی غرض دین خداوند هدایت است، دین مجری می خواهد، اگر در زمان غیبت ولی مستقیم (معصوم) عهده دار هدایت جامعه نباشد، غرض خداوند از هدایت نقض می شود. و این عقلاً بر خداوند قبیح است.

۲. اصل یکصد و هفتم و هشتم قانون اساسی.

۳. اصل پنجم، اصل یکصد و نهم (شرایط رهبری) و یکصد و دهم (اختیارات رهبری).

مملکتی و سیاسی.

* رهبری هم حرکت و مسیر تصمیم‌گیریهایش نباید بر خلاف اصول اسلامی و حدود شرعی باشد، و الا خود به خود از سمتش منعزل خواهد شد.^۱

* در کنار رهبری نهاد بزرگی از شخصیت‌های دینی فرهنگی سیاسی کشور در امور کلی و جهت‌گیریها به ایشان مشورت می‌دهند.^۲

* برای فقهاء و مراجع و بزرگان کشور حق نصیحت لِأئمة المسلمین محفوظ است و در شرایط خاص می‌توانند اعمال کنند.

ج. شورای نگهبان^۳

این نهاد هم به لحاظ اینکه قوانین کشور باید با محدوده شرع مخالفت نداشته باشد، بر عملکرد مجلس قانونگذاری، نمایندگان، و جرح و تعدیل انتخاب شوندهگان جهت نامزدی در کلیه انتخاباتها نظارت و اعمال نظر اسلامی می‌نمایند.

اما آنچه ضامن جمهوریت نظام است:

الف. حضور مردم

حضور مردم عزیر کشور در تمام صحنه‌ها بالاخص انتخاباتهای گوناگون که هر کدام در جای خود از اهمیت ویژه برخوردار است، ضامن حفظ و حراست کشور از گزند فتنه‌ها و دسیسه‌های دشمنان و فعلیت دین بر جامعه است.

ب. مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، که تجلی اراده و مطالبات مردم در محدوده شریعت محمدی ﷺ است، که منتخبین آن هر چهار سال یک مرتبه توسط مردم به خانه ملت راه می‌یابند.

ج. شوراهای اسلامی

شوراهای اسلامی، که تجلی خواست و مطالبات شهروندی و روستایی مردم است که با سیستم خاص خود طراحی شده و اعمال می‌شود.

۱. کتاب بیع، امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲، ص ۴۶۴...
شخص فقیه تافته جدا بافته از مردم نیست، بلکه او نیز همانند یکی از آحاد مردم، موظف به رعایت احکام و قوانین الهی است.

۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳. اصل چهارم قانون اساسی.

- آنچه متخذ از اصول گذشته در باب حکومت اسلامی می‌باشد، به شرح ذیل است:
۱. ولایت مختص خداوند است. (توحید)
 ۲. ولایت انبیاء و اولیاء در طول ولایت خداوند است و مأذون از طرف خدا می‌باشد. (نبوت، امامت، فقاقت)
 ۳. ولایت خداوند حقیقیه است و ولایت مأذونین از طرف او بالعرض. (آنان جنبه حق‌نمایی دارند.)
 ۴. ولایت اولیاء به وسیله دین و شریعت است که بر خود آنان نیز حاکم است. (قانون برای همه یکسان است)
 ۵. دین خداوند منشأ آسمانی دارد. لذا حکومت دینی حکومتی مقدس و آسمانی و مرضی خداوند است.
 ۶. انسان فقیر محض و عبد محض خداوند است و لحظه‌ای نباید از دایره عبودیت خارج شود. عبودیت عین آزادی است و اسارت انسان زمانی است که بنده غیر خدا باشد.
 ۷. ولایت فقیه استمرار ولایت الله، پیامبران و اولیاء است.
 ۸. حکومت ایران حکومتی اسلامی است و در رأس هرم آن ولی عادل و جامع الشرایط رهبری از طرف خداوند است که با مقبولیت مردمی، حکومت و نظام را رهبری می‌کند.
 ۹. نقش مردم در حکومت اسلامی علاوه بر اینکه تجلی جمهوریت نظام هستند، ضامن فعلیت ولایت ولی خداست (پیامبر ﷺ، امام، ولی فقیه) مقبولیت مردمی باعث می‌شود دین خداوند در عرصه اجتماع بر تمام شئون آنان حکمرانی کند.
 ۱۰. مشروعیت نظام اسلامی و ولی فقیه از طرف خداوند است که ولایت مطلقه دارد و در هر عصر و مصری به شکلی خاص از مجرای آن اعمال ولایت می‌کند، و پیامبر ﷺ، امام، و فقیه، مجاری ولایت و اعمال آزاده خداوند هستند.